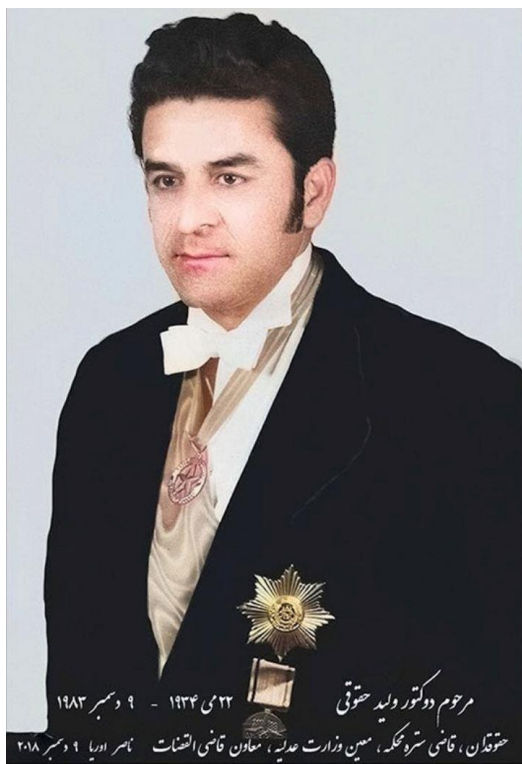




۲۰۲۲/۱۰/۱۱

ناصر اوریا / مختصات افغانستان / نخبگان و مشاهیر

دوکتور ولید حقوقی ستاره تابناکی که کوتاه ولی زیبا درخشید.



مرحوم دوکتور ولید حقوقی
متولدان، قاضی ستر و محکم، مین وزارت عدلیه، معاون قاضی القضاات، ناصر اوریا ۹ دسمبر ۲۰۱۸

"وادی عشق بسی دور و دراز است، ولی

طی شود جاده صد ساله به آهی، گاهی"

به قول اقبال لاهوری، مرحوم دوکتور ولید حقوقی هم در مدت کوتاه راه صدساله را طی و خدمات عظیم و بنیادی را برای سیستم حقوقی و عدلی افغانستان انجام داد.

دوکتور ولید حقوقی فرزند اصیل و دلسوز افغانستان به تاریخ ۹ دسمبر ۱۹۸۳ به عمر ۴۹ سالگی دیده از جهان بست.

با تشکر از دانشمند گرامی دوکتور سید عبدالله کاظم از تحریر و سپاس از محترم دوکتور وحید ابراهیم برادر دوکتور حقوقی از ارسال سوانح.

د افغانستان اصیل او زره سواندی بچی یناغلی ولید حقوقی د ۱۹۳۴ کال د می په ۲۲ نیټه په کابل کی نړی ته سترگی پرانیستی. هیواد او ملی گتو ته ژمن او ډیر مستعد شخصیت وه او د هیواد د حقوقی او عدلی سیستم لپاره یی ستر او بنسټیز خدمتونه سر ته ورسول. ۳۶ کاله پخوا د ۱۹۸۳ کال د دسمبر د میاشتې په نهمه نیټه یی له نړی څخه سترگی پټی کړی.

روح دی بناد او جنت دی ځای وی.



۳۶ سال قبل به روز نهم دسمبر سال ۱۹۸۳ دست اجل به سراغ یک شخصیت دانشمند و خدمتگار صدیق وطن داکتر ولید حقوقی آمد و او را که هنوز جوان بود، از کنار خانواده و قطار دوستانش بسوی ابدیت برد. با آنکه دوران کاری هشت ساله مرحوم داکتر حقوقی در کشور بسیار کوتاه بود، اما دست آوردها و کارنامه های او بحیث یک استاد مسلم در رشته حقوق و یک قاضی آگاه و عادل در راه انکشاف نظام قضائی کشور بسیار بزرگ و چشم گیر بود. در این مدت او توانست با دانش و اهلیت کاری خود بسرعت بمقام های بسیار مهم و حساس کشور نائل آید.

نفاذ قانون اساسی سال ۱۳۴۳ هجری شمسی با دو تحول بسیار عمده در ساحه امور عدلی و قضائی توأم بود:
* یکی تشکیل جدید اداره څارنوالی در چوکات وزارت عدلیه که وزیر عدلیه در عین زمان بحیث لوی څارنوال ایفای وظیفه میکرد و

* دیگر استقلال قوه قضایه و سپردن همه امور قضا به اورگان جدید بنام ستره محکمه که متشکل از ۹ قاضی و در رأس آن قاضی القضاات قرار داشت.

داکتر حقوقی در حقیقت از بنیانگذاران هر دو اداره څارنوالی و نیز ستره محکمه افغانستان محسوب میشود و ابتکارت او در این دو ساحه میراث های با ارزشی اند که با وجود نشیب و فراز های چار دهه اخیر، هنوز هم چرخاننده نظام قضائی موجود کشور را تشکیل میدهد.

مختصر سوانح:

داکتر ولید حقوقی در یک فامیل سرشناس اما غریب بتاریخ ۳ جوزای سال ۱۳۱۲ هجری شمسی (۲۲ می ۱۹۳۴) در شهر کابل چشم بدنیا گشود. بعد از فراغت از لیسه استقلال، در سال ۱۳۳۴ (۱۹۵۵) شامل پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل گردید و پس از اخذ لیسانس (بدرجه اول) در عضویت کدر تدریسی آن پوهنځی پذیرفته شد. در سال ۱۳۳۹ (۱۹۶۰) با استفاده از یک بورس تحصیلی عازم کشور سوئیس شد و در یونیورسیتی دولتی (باسیون) در شهر ژنیو به تحصیل ادامه داد. در سال ۱۳۴۴ (۱۹۶۵) با اخذ درجه دوکتورای دولتی در رشته حقوق جزا و حقوق عامه از آن یونیورسیتی به وطن عودت و دوباره به حیث استاد در پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل با رتبه علمی پوهندوی به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۴۵ (۱۹۶۶) با حفظ حقوق استادی بحیث مشاور حقوقی صدراعظم وقت مرحوم محمدهاشم میوندوال با حق حضور در مجلس وزرا مقرر شد. در همان سال وقتی اداره جدید څارنوالی تاسیس میگردید، او بحیث معاون لوی څارنوال تحت اداره وزیر عدلیه وقت مرحوم داکتر عبدالحمید طیبی تعیین شد که در تشکیل و انکشاف این اداره نقش بسزا داشت.

به صفحه قاموس بکیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند

متعاقباً هنگامیکه مرحوم داکتر محمدحیدر وزیر عدلیه مقرر شد، داکتر حقوقی درحالی که همه مسئولیت امور خارنوالی و تدریس در پوهنتون را به عهده داشت، بمقام معینیت وزارت عدلیه ارتقا کرد.

با مطرح شدن استقلال قوه قضایه از قوه اجراییه برطبق قانون اساسی جدید و برای تشکیل اداره عالی قضا زیر نام (ستره محکمه)، داکتر حقوقی در سال ۱۳۴۶ هجری شمسی نخست بحیث آمرعمومی اداری ستره محکمه و بعد از یک سال با اكمال سن قانونی ۳۵ سالگی با حفظ مقام آمریت عمومی اداری بحیث یکی از ۹ تن قضات دایمی ستره محکمه تحت رهبری قاضی القضاات مرحوم [پوهاند داکتر عبدالحمید ضیائی منصوب گردید.

در دوره سیزدهم انتخابات شورای ملی با انفاذ قانون انتخابات بوسیله فرمان تقنینی داکتر ولید حقوقی ازطرف پادشاه بحیث رئیس عمومی کمیته مرکزی نظارت انتخابات تعیین شد.

در دوره چهاردهم شورای با آنکه پادشاه او را بریاست عمومی نظارت برانتخابات باردیگر توظیف کرد، ولی او از قبول آن بنابر ممانعت قانونی معذرت خواست و برای اولین بار در تاریخ کشور به فرمان پادشاهی جواب رد داد.

پس از سقوط رژیم شاهی در اثر کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲، داکتر حقوقی مثل بعضی دیگر از اراکین برجسته آن نظام از کار برکنار گردید و مدت چندین سال خانه نشین بود تا اینکه نظر به مشکلات اقتصادی فقط برای کمتر از یکسال بحیث معاون شرکت کوکاکولا در کابل ایفای وظیفه کرد، تا آنکه سه ماه بعد از کودتای ثور ۱۳۵۷ بنابر مخالفت های قبلی با گروه خلق و پرچم توقیف و بعد از شکنجه های گوناگون در زندان مخوف پلچرخ زندانی گردید که تقریباً ۱۹ ماه را در آنجا گذشتاند. او بعد از تهاجم قوای متجاوز شوروی در اثر "عفو عمومی" نام نهاد در ماه دلو ۱۳۵۸ در جمله آخرین گروپ از زندان آزاد و به زودی به یک پست نمایشی بحیث مشاور وزارت عدلیه مقرر شد که فقط پس از دو هفته جهت تداوی مریضی که در زندان عاید حالش شده بود برای تداوی رهسپار کشور هند گردید و از آنجا به جرمنی پناهنده شد.

درایام مهاجرت هرچند که او را مرگ بیش از سه سال مهلت نداد، اما در همان مدت کوتاه یکروز هم آرام نه نشست و بعد از فعال ساختن دفتر سیاسی پادشاه در روم ، در تأسیس یک گروپ سیاسی مسمی به (جمعیت تحکیم وحدت و مبارزه برای آزادی افغانستان) تحت ریاست مرحوم داکتر محمد یوسف صدراعظم سابق پرداخت و به حیث یک عضو فعال و برجسته آن گروپ در چندین کنفرانس مهم در مورد آزادی افغانستان در اروپا و امریکا اشتراک نمود. از آن جمله میتوان از کنفرانس های منعقد در شهر استکهولم سویدن، مقر ملل متحد در نیویارک، واشنگتن دی سی، لاس انجلس و سانفرانسکو ام برد. اما مهم ترین آنها در حومه شهر مونتروی کشور سوئیس بود که در آن داکتر حقوقی با شرکت پانزده شخصیت برجسته افغانی بنابر دعوت عبدالمجید خان زابلی بتاریخ دهم جولای ۱۹۸۱ بمنظور ایجاد یک حرکت سرتاسری افغانها اعم از تنظیم های جهادی و سائر گروپ های افغانی در داخل و خارج کشور اشتراک نمود که بعداً این گردهمائی منجر به تشکیل جمعیت سیاسی تحکیم وحدت و مبارزه برای آزادی افغانستان گردید. او در چهار چوب فعالیت های این جمعیت تماس نزدیک این گروپ را با شاه سابق اعلیحضرت محمد ظاهرشاه در روم برقرار نمود و متواتر با شخص شاه در ارتباط و رفت و آمد بود. اعلیحضرت شاه سابق او را بسیار دوست میداشت و او را موظف ساخته بود که به نمایندگی از شخص شاه در رأس یک هیئت به پشاور و کوئته سفر کند تا زمینه تشکیل یک اتحاد سراسری بین گروپ های مختلف مجاهدین به وجود آید. اما متأسفانه نظر به حمله شدید مریضی سفر اش لغو شد و در آخرین دیدارش با شاه در روم، اعلیحضرت جهت خدا حافظی شخصاً تا ایستگاه ریل او را همراهی کرد. چند روزی از این ملاقات نگذشته بود که داکتر حقوقی در اثر مرض لاعلاج سرطان بتاریخ ۹ دسمبر ۱۹۸۳ به عمر ۴۹ سالگی جهان فانی را وداع گفت. جنازه مرحومی به پشاور انتقال یافت و درحضره افغانهای مهاجر در حواشی آن شهر بخاک سپرده شد. روح او شاد و قرین رحمت ایزدی بادا

مرد نمیرد به مرگ ، مرگ از او نام جست

نام چو جاوید شد مردن اش آسان کجاست

نگاه کوتاهی به خدمات اہم داکتر ولید حقوقی

در خدمات امور خارنوالی:

به اساس ماده یکصد و سوم قانون اساسی ۱۳۴۳ هجری شمسی تحقیق جرایم ازطرف مدعی العموم که جز قوه اجراییه دولت است صورت میگیرد. برحسب این ماده اداره جدید در چهارچوب وزارت عدلیه بنام خارنوالی بوسیله فرمان تقنینی شاه تشکیل شد که وظیفه داشت تا امور تحقیقات جنائی و عدلی را که قبلاً ازطرف پولیس انجام میگردد به عهده گیرد.

داکتر حقوقی بحیث مؤسس و معاون این اداره در برابر یک وظیفه سنگین قرار گرفت که نه تنها امور تشکیلاتی و اداری آنرا باید به پیش می برد، بلکه موقف خارنوالی را بحیث یک اورگان جدید در قوه اجراییه تثبیت و امور مربوطه را از زیر نفوذ پولیس بیرون میکرد و نیز تهداب قانونی آنرا تکمیل می نمود. موصوف با قبول زحمات فراوان توانست در تفاهم با قوماندانی عمومی ژاندارم و پولیس وقت حدود و صلاحیت های پولیس و خارنوالی را مشخص کرده و با تأسیس شعب خارنوالی ها در ولایات و ولسوالی ها فعالیت آنرا انکشاف داد.

با ایجاد ادارهٔ (ډی.اې.اې) بنام کشف جرایم در چوکات څارنوالی مجادلهٔ جدی را علیه ارتشا و اختلاس آغاز کرد. هر چند که یک کار بس دشوار بود اما با محبوس ساختن یک تعداد رشوه خواران از سراسر افغانستان لرزه به اندام رشوه خواران افتاد و تا اندازه ای باعث جلوگیری آن شد.

یکی دیگر از خدمات مهم داکتر حقوقی در این مقام، مجادله علیه شکنجه متهم حین تحقیق از جانب دستگاه امنیتی و پولیس بود که مردم از آن بسیار ناراض و شاکی بودند. داکتر حقوقی موفق شد تا دفاتر تحقیقی را به شکل مدرن و با در نظر داشت کرامت انسانی و رعایت حقوق بشری تأسیس نماید و دوسیه های نسبتی محبوسین را که بعد از تحقیقات مقدماتی توسط پولیس به څارنوالی محول می گردیدند، پس از غور و تدقیق، جهت طی مراحل غرض اقامهٔ دعوی به محاکم مربوط گسیل می داشتند. هرگاه اشخاصی که در این راستا مرتکب شکنجه و آزار محبوسین می شدند، خود شان تاحد امکان مورد بازپرس و مجازات قانونی قرار می گرفتند.

به ابتکار او در این زمان ادارهٔ دیگری در کدر څارنوالی تأسیس شد تا دوسیه های تمام زندانیان بی سرنوشت را بررسی و به اسرع وقت سرنوشت شانرا تعیین کند. همچنان توسط این اداره دوسیه های سائر زندانیان تحت بررسی قرار گرفت تا از شفافیت قضایای شان معلومات کافی بدست آید.

قابل تذکر است که با وجود مشکلات، څارنوالی توانست تاحد امکان دست پولیس را از امور تحقیقات کوتاه کند، چنانچه شکایات مردم از این ناحیه به مراتب کمتر شد که این وضع تا کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ به همین منوال پیشرفت و اما بعد از آن پولیس مجدداً قدرت را بدست گرفت و نقش څارنوالی را به حاشیه راند.

خدمات در امور ستره محکمه:

با انفاذ قانون اساسی سال ۱۳۴۳ دولت شاهی مشروطه افغانستان به سه قوه معادل با همدیگر که عبارت بودند از قوه قضایه (ستره محکمه)، قوه مقننه (شوری و سنا) و قوه اجراییه (حکومت) تقسیم شده بود.

یک فصل مشخص قانون اساسی زیر عنوان (قضا) که مشتمل بر (ده) ماده در آن گنجانیده شده بود، قوه قضایه را بحیث یک قوه مستقل از قوه اجراییه و با معادلت به آن به میان آورد.

این به ذات خود یک تغییر بس مهم در راه تحقق دموکراسی نوین در کشور محسوب میشود. قبل از آن همواره قضا جزء وزارت عدلیه و شامل در ادارات اجرایی حکوم بود.

تشکیل ستره محکمه مستقل بحیث یک اقدام تاریخی در امور قضائی کشور به وفق ماده یکصد و بیست و هفتم قانون اساسی به روز ۲۲ میزان سال ۱۳۴۶ صورت گرفت.

تقرر داکتر حقوقی در مقام آمریت عمومی اداری قوه قضایه و بعداً یکی از قضات ستره محکمه درحقیقت او را به سرعت بحیث گردانندهٔ اصلی امور قضائی کشور تبدیل کرد، چنانکه قاضی القضاات بدون مشوره با او هیچ کاری را انجام نمیداد. در این حال بجرأت میتوان گفت که همان تهداب اصلی و اساسی ستره محکمه که بوسیلهٔ داکتر حقوقی گذاشته شد تا امروز هم با وصف همه تشبیب و فراز های چهار دهه اخیر، امور آن تقریباً به همان شیوه و اساس پیش برده میشود.

نخستین کاری که با تشکیل قوهٔ قضایه در افغانستان صورت گرفت، تنظیم تشکیلات مرکزی ستره محکمه و به زودی تشکیل ریاست های محاکم ولایات و ولسوالی ها بود که بنابر نیازمندی ها و با در نظر داشت تعادل قوا برای بار اول بشکل مدرن و مستقل سازمان داده شد. رؤسای محاکم در ولایات در معادلت با مقام ولایات و رؤسای محاکم در ولسوالی ها در معادلت با ولسوال ها تعیین شدند.

با تأمین استقلال قضا، محاکم قضائی که قبلاً توسط والی ها و ولسوال ها اداره می شدند، از آن به بعد رؤسای محاکم ولایات و ولسوالی ها بصورت مستقل اداره و رهبری محاکم را زیر نظر ستره محکمه بدست گرفتند.

داکتر ولید حقوقی به مقصد تطبیق قوانین مدنی و شرعی کوشید تا یک رشتهٔ جدید قضائی در چوکات پوهنخی حقوق و علوم سیاسی ایجاد گردد و محصلین طبقه اناث را تشویق کرد که شامل این رشته گردند. چنانچه برای اولین بار فارغان طبقهٔ اناث از پوهنخی های حقوق و شرعیات به پست های قضائی در محاکم مختلف مخصوصاً محاکم اطفال و محاکم فامیلی توظیف شدند. در انوقت در ایران، پاکستان و حتی در اکثر کشور های اسلامی قضات زن وجود نداشتند. آرزوی دیرینه داکتر حقوقی این بود که روزی این قضات بدرجهٔ اعلی قضائی برسند و یکی از آنها بحیث قاضی ستره محکمه تقرر حاصل نماید.

او برای ضرورت محاکم برای اولین بار صد ها تعمیر آبرومند که شایسته یک محکمه باشد، (ډی.اې.اې) در تمام ولایات و اکثر ولسوالی ها اعمار کرد و نیز با فهم اینکه قضاتی که برای اشغال وظایف شان به اطراف میرفتند، از روی مجبوریت به منازل خوانین و مردمان صاحب نفوذ سکونت گزین می شدند که بدینوسیله قضات تحت تأثیر آنها قرار می گرفتند. بنأیکی از مهمترین و عمده ترین ابتکارات مرحوم داکتر حقوقی این بود که برای تمام قضات در مراکز ولایات و اکثر ولسوالی ها نیز منازل رهاشی اعمار کرد و برای هر فردی که به وظیفه جدید مقرر می شدند سفر خرچ زیاده تر از حد معمول تعیین نمود و در مقابل برای هر فردی از قضات اکیداً توصیه میکرد تا از اقامت به منازل خوانین و از گرفتن تحفه و یا قبولی مهمانی امتناع ورزند. همچنان معاشات تمام قضات بالاتر از معاشات مامورین دولتی با اضافهٔ ماکولات بیشتر تعیین شد تا از اثر گرسنگی دست به رشوه ستانی نزنند. در برابر قضاتی که به رشوه و اختلاس دست می بردند،

توسط یک اداره جدیدالتأسیس بنام حفظ و مراقبت ستره محکمه، اقدامات جدی و قانونی به شمول حبس و طرد از وظیفه صورت میگرفت که این عمل سبب کاهش بی سابقه در رشوه ستانی قضات گردید.

در آنوقت برای اولین بار کورس های ستاژ قضائی جهت تربیه قضات برای فارغان پوهنخی های حقوق و شرعیات در چوکات ستره محکمه تأسیس شد تا قضات جوان بتوانند باساس شریعت غرای محمدی و با رعایت از قوانین مدنی و جزائی کشور قضاوت سالم و عادلانه نمایند. همچنان با ایجاد کورس های اداری قضائی و محرری درچوکات ستره محکمه زمینه معرفت کارکنان کدر اداری قضا به سیستم اداری جدید مهیا گردید. بر علاوه تدویر سیمناهای قضائی برای اولین بار در همین وقت آغاز و ترویج یافت که مهمترین سیمناهای این دوره، سیمنا سال ۱۳۴۷ و سیمنا سال ۱۳۵۰ هجری شمسی میباشد. هر دو سیمنا در رهنمائی قضات محاکم در شرایطی که هنوز قانون مدنی نافذ نشده بود، نقش مهم و اساسی داشت.

قبل از استقلال قوه قضایه در ساحه اجراء محاکم صرف اصولنامه های اداری محاکم و اصولنامه های عدلی وجود داشت که اکثر اوقات والی ها و ولسوال ها از همین اصولنامه ها به نفع خویش استفاده میکردند. بناً در این دوره با ابتکارات داکتر حقوقی قوانین تشکیلات و صلاحیت قضایی بوجود آمد و تعدادی زیاد از مقررات و اصولنامه های جدید بنابر ضرورت و نیازمندی های قوه قضایه جوان به مقصد رهنمائی در اجراء قضائی و اداری محاکم همراه با ادارات کمکی آن ها جدیداً تدوین گردید و پس از منظوری شورای عالی قضا و توشیح مقام پادشاهی به منصفه اجرا و تطبیق قرار داده شد.

در آن زمان برای اولین بار محاکم اختصاصی از قبیل محکمه مامورین، محکمه جرایم ترافیکی، محکمه حل و فصل امور تجارتی، محکمه فامیلی، محکمه جرایم اطفال و محکمه مواد مخدره بوجود آمد تا با رعایت از قوانین مدنی و جزائی به امور مربوطه رسیدگی بعمل آید.

در این وقت برای قضات یونیفورم آبرومند قضائی تهیه شد و هیچ قاضی حق نداشت بدون یونیفورم قضائی به مسند قضا تکیه کند، که این شیوه دنیای مترقی تا همان وقت در ممالک همجوار ما مروج نبود.

بورس های تحصیلی از امریکا، استرالیا، ممالک اروپائی و هند جهت تحصیلات عالی درخواست شد و تعدادی از قضات جوان بشمول طبقه اناث به ممالک فوق الذکر اعزام شدند.

با رعایت اینکه قوه قضایه یک رکن آبرومند و مستقل دولت شمرده میشد اما در داخل یک عمارت کرایبی مستقر شده بود، بناً دولت وقت یک بودجه گزاف برای اعمار و ساختمان عمارت جدید جهت مقر دایمی ستره محکمه تخصیص داد.

داکتر حقوقی قصر دارالامان را که برای سال ها بعد از حادثه حریق آن متروک شده بود شایسته مقر مقام قضا دانسته بعد از منظوری شاه به ترمیم و اعمار مجدد آن قصر باستانی و تاریخی عصر امانیه با مصارف بسیار کمتر از ساختمان عمارت جدید آغاز کرد و کار ترمیم و ساختمان قصر را به ریاست ساختمانی بنائی که یک اداره ساختمانی دولتی بود و پول دولت از یک جیب به جیب دیگر میرفت واگذار شد.

سرک اتصالی دهمزنگ دارالامان دوباره ترمیم و غرس نهال های جدید در هر دو جناح جاده صورت گرفت.

در اواخر سال ۱۳۵۳ هجری شمسی همزمان با اكمال پروژه ساختمان و ترمیم قصر دارالامان، ستره محکمه بعد از کودتای ۲۶ سرطان لغو و به وزارت عدلیه آنوقت ادغام شده بود بناً وزارت عدلیه وقت در آن قصر باشکوه و تاریخی نقل مکان نمود.

لازم به تذکر است که عملی کردن این تحول بزرگ در مملکت کار ساده و خالی از مشکلات و موانع عاید نبود و کمبودی ها و نواقصی داشت که رفع آن ایجاب وقت و زمان را میکرد، اما تحولات بعدی و سقوط رژیم شاهی همه آنرا از مسیر اصلی آن بیرون کرد.

با قدردانی از خدمات قابل قدر داکتر حقوقی دراستقرار دموکراسی، مبارزه علیه رشوه و اختلاس، ترتیب و تطبیق قوانین مختلف، تشکیل یک اداره با قدرت خانونالی، بنیانگذاری ستره محکمه باعظمت و واحد و انجام انتخابات شفاف دوره سیزدهم شورای ملی از طرف پادشاه سابق نشان ستور درجه اول که یکی از نشان های پرافتخار آنوقت بشمار میرفت به وی تفویض گردید.

خدمات در امور نظارت بر انتخابات دوره ۱۳ شوری:

انتخابات این دوره شورای ملی با انفاذ قانون انتخابات به وسیله فرمان تقنینی شاه آغاز و داکتر حقوقی از طرف پادشاه به حیث رئیس عمومی کمیته مرکزی نظارت انتخابات تعیین شد. این انتخابات که یکی از مهمترین رویداد های دوره موکراسی محسوب میشود زیر نظر مستقیم او با شفافیت لازم و بصورت عادلانه به پایان رسید. درختم انتخابات بعد از غور مجدد ودقت کامل، داکتر حقوقی امر بطلان انتخابات را در دو حوزه مختلف کشور صادر کرد و انتخابات مجدد در هر دو حوزه صورت گرفت و بدون تکرار تقلب انتخابات به موفقیت انجام شد.

قبل از شروع انتخابات دوره چهاردهم شورای ملی قانون جدید انتخابات که این بار از طرف شورای ملی تصویب و انفاذ به توشیح پادشاه رسیده بود باید دایر می شد، بناً پادشاه بار دیگر داکتر حقوقی را به ریاست عمومی نظارت بر انتخابات دوره چهاردهم شوری ملی توظیف کرد، ولی او از قبولی آن بنابر ممانعت های قانونی مبنی بر عدم مداخله دولت در امور انتخابات و بیطرفی کامل قضا در انتخابات از قبولی آن معذرت خواست و برای اولین بار در تاریخ کشور به فرمان

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

پادشاهی رسماً جواب رد ارایه کرده خواهان تعدیل خلا های قانونی در قانون توشیح شده انتخابات شد که در اثر مباحثات بالای این موضوع انتخابات دوره چهاردهم شوری برای یک سال به تعویق افتاد. همچنان تعدیل دو ماده قانون تنظیم و صلاحیت تشکیلات قضائی در مورد قبولی استعفی قضات ستره محکمه قبل از اكمال دوره معینه شان که از طرف دولت به شورای ملی برای بحث و تعدیل ارسال شده بود شورای ملی آنرا تصویب نکرده در مغایرت با قانون اساسی دانست. چنین شایع گردیده بود که گویا مقام سلطنت میخواهد با فراهم آوری زمینه قبولی استعفی قبل از وقت اعضای ستره محکمه یکی از آنها را که واضحاً مقصد از داکتر حقوقی بود، احتمالاً به پست صدارت بگمارد، همان بود که با وقوع کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ رژیم شاهی سقوط کرد و بجای آن رژیم جمهوری به وسیله محمد داود خان شهید اعلام گردید.

خدمات به حیث استاد در پوهنتون کابل:

با وجود مصروفیت های بزرگ اداری، داکتر ولید حقوقی در طول سال های ماموریت خود بطور منظم و بدون اخذ امتیاز مالی به تدریس در پوهنخی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل ادامه داد و مضمون حقوق جزا را که رشته اختصاصی اش بود، تدریس میکرد که نظر به پابندی به این وظیفه مقدس، مفتخر به اخذ نشان عالی معارف گردید.

سائر خدمات:

در طول هفت سال اخیر دوره ماموریت خود داکتر حقوقی یکی از مشاورین نزدیک و برجسته پادشاه سابق افغانستان بود و در مواقع حساس و قضایای مغلق از طرف پادشاه مامور به حل و فصل قضایای قومی و مردمی در نواحی مختلف مملکت می شد، چنانچه در حل دعوای قومی قندهار بر سر موضوع حقابه، منازعه اقوام خدران و منگل در پکتیا، منازعه بین اقوام کوچی و محلی در لوگر و در چندین موارد منازعات دیگر به حیث نماینده خاص پادشاه نقش مؤثر و عادلانه بازی میکرد.

در مورد احوال شخصی داکتر ولید حقوقی باید علاوه کرد که موصوف شخص فوق العاده پاک نفس، مهربان، خوش صحبت و دارای مزاج فقیرانه و متواضع بود و به خود همیشه فقیر خطاب میکرد، اما در رسمیات برعکس یک شخص جدی، باانرژی و دارای فهم کاری، قاطعیت و صلاحیت اجرایی بود که در بین همکاران به یک قاضی ذوی الحکم شهرت داشت.

زندگی بعدی او ثابت کرد که واقعاً شخص پاک نفس و صادق بود و به استثنای یک خانه معمولی هیچ دارائی دیگر نداشت و از او هیچ نوع میراث مالی برای فرزندانش بجا نماند. داکتر حقوقی در زبان های فرانسوی، پشتو [پښتو] و دری بسیار مسلط بود و به زبان انگلیسی و آلمانی به راحت نیز صحبت میکرد.

او قبل از عزیمت به سویس در سال ۱۹۶۰ میلادی با محترمه مین صدیق ازدواج کرد و ثمره این ازدواج دو دختر به نام های زیبا حقوقی و حوا حقوقی و دو پسر به نام های خالد حقوقی و فهیم حقوقی میباشد که هم اکنون در ایالت کالیفورنیا اقامت دارند.

روح این خدمتگار پرتلاش میهن شاد و بهشت برین مکانش باد. با تشکر مجدد از محترم دوکتور سید عبدالله کاظم از نوشته و محترم دوکتور وحید ابراهیم از ارسال سوانح.